

اثربخشی آموزش مهارت بخشش بر تعارض زناشویی و پرخاشگری در والدین کودکان ناشنوا

اکرم ملک‌زاده^۱
المیرا اعزازی بجنوردی^۲
آمنه شاهنده^۳
حوریه وطن‌خواه^۴
ثمینه بهادری جهرمی*^۵

چکیده

هدف: پژوهش حاضر با هدف تعیین اثربخشی آموزش مهارت بخشش بر تعارض زناشویی و پرخاشگری در والدین کودکان ناشنوا انجام شد. **روش:** این پژوهش، یک مطالعه شبه آزمایشی با طرح پیش‌آزمون-پس‌آزمون و گروه کنترل بود. نمونه آماری پژوهش حاضر شامل ۳۰ نفر از والدین کودکان ناشنوا می‌شد که به روش نمونه‌گیری در دسترس از مدارس استثنایی شهر تهران انتخاب گردیدند و به‌طور مساوی و به‌صورت تصادفی در یکی از دو گروه آزمایش و گروه کنترل (هر گروه ۱۵ نفر) جایگزین شدند. گروه آزمایشی، در ۸ جلسه آموزشی برنامه مهارت بخشش (هفته‌ای ۲ جلسه؛ هر جلسه ۷۰ دقیقه) شرکت کردند درحالی‌که گروه کنترل در این جلسات شرکت نکرد. آزمودنی‌ها با استفاده از پرسشنامه تعارضات زناشویی و پرسشنامه پرخاشگری مورد ارزیابی قرار گرفتند. داده‌ها با استفاده از تحلیل کوواریانس چند متغیری با به‌کارگیری نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۲ تحلیل شد. **یافته‌ها:** یافته‌ها نشان داد که گروه آزمایش و کنترل حداقل در یکی از متغیرهای تعارض زناشویی و پرخاشگری تفاوت معناداری دارند ($P < 0/05$). نتایج تحلیل کوواریانس چند متغیری نشان داد که آموزش مهارت بخشش بر تعارض زناشویی و پرخاشگری آزمودنی‌ها اثر مثبت و معناداری داشت ($P < 0/05$). **نتیجه‌گیری:** نتایج حاکی از آن بود که برنامه آموزشی مهارت بخشش سبب کاهش تعارضات زناشویی و پرخاشگری آزمودنی‌ها شد؛ بنابراین برنامه‌ریزی برای آموزش چنین برنامه‌هایی مانند آموزش بخشش نقش مهمی در بهبود تعارضات زناشویی و پرخاشگری خواهد داشت.

کلیدواژه‌ها: پرخاشگری، تعارضات زناشویی، کودکان ناشنوا، مهارت بخشش

تا ۲۶ درصد افراد را در دنیا تحت تأثیر قرار می‌دهد، با توجه به این که افت شنوایی شیوع بسیار بالایی دارد ولی ناشنوایی در زمره ناتوانی‌هایی با شیوع پایین به شمار می‌رود و شیوع آن در کودکان غیر آسیایی حدود ۷ در هر ۱۰ هزار نفر است (سازمان بهداشت جهانی^۶، ۲۰۱۱؛ فلینگر، هولزینگر و پولارد^۷، ۲۰۰۸؛ آگرا، پلاتز و نیپارکو^۸، ۲۰۰۸؛ بریا، ریمان و گیگانتی^۹، ۲۰۰۷). متأسفانه در کشور ما، آمار دقیقی از میزان کم شنوایی و ناشنوایی موجود نیست (حاجلو و انصاری، ۱۳۹۰). در افراد ناشنوا به دلیل ناتوانی در

مقدمه

ناشنوایی رایج‌ترین نقص حسی-عصبی است و ناشنوا فردی است که با استفاده از وسایل کمک شنوایی یا بدون بهره‌گیری از آن‌ها نمی‌تواند گفتارهای دیگران را از طریق حس شنوایی بشنود؛ به‌عبارت‌دیگر، میزان افت شنوایی این گروه افراد ۹۰ دسی‌بل یا بیشتر است (لانسرگر و دیاز^{۱۰}، ۲۰۱۰). افت شنوایی در حدود ۱۲

۱. مربی، گروه روانشناسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

۲. کارشناس ارشد مشاوره خانواده، گروه مشاوره، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

۳. مربی، گروه معارف اسلامی، دانشگاه پیام نور، آذربایجان غربی، ایران

۴. دانشجوی کارشناس ارشد روانشناسی عمومی، گروه روانشناسی، واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۵. نویسنده مسئول: استادیار، گروه جامعه‌شناسی، واحد بندرعباس، دانشگاه آزاد اسلامی، بندرعباس، ایران bahadori.jahromi@gmail.com

تاریخ ارسال مقاله: ۱۳۹۶/۶/۹ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۶/۶/۲۴

6. Landsberger & Diaz

7. World health organization

8. Fellinger, Holzinger & Pollard

9. Agrawal, Platz & Niparko

10. Beria, Raymann & Gigante

خاتمه دادن به یک رابطه مختل یا دردناک، مورد استفاده قرار گرفته و شرایط مصالحه با فرد خطا کار را فراهم کند. بنابراین می‌تواند رضایت‌مندی زناشویی را افزایش داده و تعارضات را با خروج یکی از طرفین کاهش دهد (بث^{۱۰}، ۲۰۰۶؛ کوردووا، کاتیلی، سیمون و ساباگ^{۱۱}، ۲۰۰۶؛ فینچام، بیچ و داویلا^{۱۲}، ۲۰۰۷).

توجه به این نکته از حلقه تعامل منفی، ضروری است که اصلاح رابطه، مستلزم سرمایه‌گذاری دوطرفه است به طوری که دو طرف می‌بایست تلاش هم‌پایه و مشخصی داشته باشند تا به نتیجه‌ای مطلوب برسند. برای حرکت و دستیابی به اصلاح، هر یک از طرفین باید رفتاری خاص داشته و در طول دوره‌ای از زمان بر آن پایدار باشند. طرفین می‌بایست به بررسی مجدد قواعد حاکم بر روابط خود بپردازند و دیدگاه‌های بحث‌برانگیزی را که منجر به تخلف شده بود، حل و بازنگری نموده و مفاهیم بخشودن و اصلاح رفتار را شفافیت و وضوح بخشند یا پیامدهای تخلفات آتی را مشخص نمایند (مک‌لاف^{۱۳}، ۲۰۰۱؛ فینچام و همکاران، ۲۰۰۷). یکی از مؤثرترین مداخلاتی که امروزه جهت حل مشکلات روابط انسانی، خصوصاً تعارض زوجین به کار می‌رود برنامه آموزش بخشش^{۱۴} است. مفهوم بخشش یا بخشایشگری اگرچه بیش از ربع قرن مورد توجه پژوهشگران و متخصصان حوزه‌های مختلف قرار گرفته است اما پیشینه‌ای طولانی در حوزه مسائل انسانی از جمله روابط زوجین و ازدواج داشته و به‌طور کلی به‌عنوان پاسخ مثبت به خطاکاری انسان مورد توجه قرار گرفته است (زمیستر و رومرو^{۱۵}، ۲۰۰۲). بخشایش، میل درونی است که افراد را بازداری از پاسخ‌های ناخوشایند ارتباطی و رفتار کردن به‌طور مثبت نسبت به کسی که رفتار منفی با آن‌ها داشته است، متمایل می‌سازد (مک‌لاف، فینچام و تسانگ^{۱۶}، ۲۰۰۳). مداخله بخشایش به روابط بین‌فردی و واکنش‌های متقابل افراد با یکدیگر بسیار توجه دارد. در آموزش بخشایش، افراد توانایی بالایی برای بهبود در تعاملات خود کسب می‌کنند و در نتیجه رضایت بیشتری از روابط زناشویی خویش خواهند داشت؛ بنابراین یادگیری بخشایش (خود و دیگران) به افراد در مواجهه با پیامدهای منفی حاصل از تعارضات (درون فردی و میان فردی) کمک می‌کند و بهزیستی روان‌شناختی، شادکامی و روابط اجتماعی معناداری را به همراه

برقراری ارتباط مطلوب و احساس بی‌کفایتی، احتمال ایجاد اختلالات روان‌شناختی افزایش می‌یابد (کوشالنکار، کرول، هانای، متیو، کادل و اوقدای^۱، ۲۰۰۷). ناشنوایی منجر به کاهش کیفیت زندگی، گوشه‌گیری^۲، کاهش فعالیت‌های اجتماعی و احساس طرد شدن^۳ می‌گردد و در پی این اختلالات احتمال تعارض زناشویی^۴ و پرخاشگری^۵ در والدین کودکان ناشنوا افزایش می‌یابد (آرلینگر^۶، ۲۰۰۳).

بزرگ‌سالان اغلب به علت شرایط زیستی، روانی، عاطفی و شناختی و مواجه شدن با شبکه اجتماعی وسیع‌تر، تجربیات هیجانی و احساسی چشم‌گیری را احساس می‌کنند، یکی از این حالات هیجانی شایع در میان آن‌ها خشم^۷ است (عاشوری و جلیل‌آبکنار، ۱۳۹۵). پرخاشگری که همان نمود بیرونی خشم است از جمله اختلال‌ها و مشکلات رفتاری است که ممکن است در اثر رابطه نامطلوب و ناسالم افراد یا زوجین ایجاد شود و حتی در رفتارهای آن‌ها تداوم پیدا کند. آنچه باعث توجه پژوهشگران به پرخاشگری شده است پیامدهای این گونه رفتارها است (احدی، ۱۳۸۵؛ منصور، ۱۳۸۷؛ هالاهان، کافمن و پولن^۸، ۲۰۱۵). متداول‌ترین علت مراجعه کودکان و نوجوانان برای دریافت خدمات روان‌شناختی، الگوهای رفتاری پرخاشگرانه است. متأسفانه یکی از راه‌هایی که افراد با خشم کنار می‌آیند ابراز آن است. یکی دیگر از روش‌های رایج کنار آمدن با خشم، انکار آن است. زوجین می‌دانند که گزینه سومی هم برای آن‌ها وجود دارد که همان درک و بخشش کسانی است که به آن‌ها صدمه زده‌اند. آموزش مناسب بخشش می‌تواند احساساتی مانند خشم و پرخاش را تعدیل کند (اختر و بارلو^۹، ۲۰۱۶).

تعارض زناشویی نوعی ارتباط زناشویی است که در آن رفتارهای خشونت‌آمیز مانند توهین، سرزنش، انتقاد و حمله فیزیکی وجود دارد و زوجها در آن نسبت به یکدیگر احساس خصومت، کینه، خشم و نفرت داشته و هر یک عقیده دارد که همسرش آدم نامطلوب و ناسازگاری است که موجب رنجش و عذاب او می‌شود (محمدی، ۱۳۹۶). در روابط خانوادگی، وجود تعارض یا دل‌آزاری و رنجش خاطر، اجتناب‌ناپذیر است. این رنجش خاطر بر روی کیفیت رابطه تأثیر می‌گذارد و از آنجاکه کیفیت رابطه، عامل پیش‌بینی‌کننده قوی در رضایت‌مندی زناشویی است، به نظر می‌رسد که حل این رنجش می‌تواند در ارتقای کیفیت رابطه، مؤثر واقع شود. بخشش می‌تواند به‌عنوان راهی قوی و توانمند برای

9. Akhtar & Barlow

10. Beth

11. Cordova, Cautilli, Simon & Sabag

12. Fincham, Beach & Davila

13. McCullough

14. Forgiveness

15. Zechmeister & Romero

16. Fincham & Tsang

1. Kushalnagar, Krull, Hannay, Metha, Caudle & Oghalai

2. Withdrawal

3. Rejection

4. Aggression

5. Marital conflict

6. Arlinger

7. Anger

8. Hallahan, Kauffman & Pullen

نشان دادند. نف^۵ (۲۰۰۳) نیز در پژوهش خود، اهمیت بخشایش را در حل بهتر تعارض زناشویی مورد تأکید قرار داده است. باکوس^۶ (۲۰۰۹) نیز طی تحقیق بر روی ۱۷۸ زوج متأهل دریافت که رضایت زناشویی و عشق بالا، با بخشودگی بیشتر همسران از یکدیگر مرتبط است. مطالعات دیگر در زمینه بخشایش نشان داده‌اند که بخشایش از طریق کنترل هیجانات منفی منجر به کاهش تعارضات و افزایش بهزیستی روانی و جسمانی، شادکامی و ارتقاء رضایت زناشویی و سازگاری زناشویی می‌گردد (کار^۷، ۲۰۰۴؛ کاردو^۸، ۲۰۰۷؛ چان، ۲۰۱۳).

پیچیدگی آسیب شنوایی، غیرقابل درمان بودن آن و مشکلات ارتباطی که به همراه می‌آورد، همه در زندگی روزمره خانواده اختلال ایجاد می‌کند. والدین کودکان ناشنوا غالباً میزان زیادی اضطراب، تعارض و پرخاشگری را سال‌ها پس از شناسایی ناشنوایی فرزندان همچنان تجربه می‌کنند (موللی، امیری، یوسفی افراشته و مروتی، ۱۳۹۴؛ الکساندرا، کویتنر، بارکر، کارولین، ماری و گریملی^۹، ۲۰۱۰). با توجه به آنچه عنوان شد چیزی که اهمیت این مطالعه و خلأ پژوهشی در این حوزه را آشکار می‌سازد نقش مهم و حساسیت اثربخشی آموزش مهارت بخشش بر کاهش تعارض زناشویی و پرخاشگری در والدین کودکان ناشنوا است. در حقیقت، به نظر می‌رسد آموزش مهارت بخشش به والدین کودکان ناشنوا بر کاهش تعارض زناشویی و پرخاشگری آن‌ها تأثیر داشته باشد. احتمال می‌رود وقتی که میزان اثربخشی آموزش مهارت بخشش بر روابط چندبعدی و چندگانه میان متغیرهای مختلف بررسی شود بتوان به یافته‌های جالب‌تری دست یافت و دریچه‌ای نوین را می‌گشاید که حاکی از نوآوری پژوهش حاضر است و پژوهشگران و روان‌شناسان را جهت طراحی و تدوین برنامه‌های روان‌شناختی نوین مانند برنامه آموزش مهارت بخشش جهت کاهش تعارض زناشویی و پرخاشگری ترغیب می‌نماید. با بررسی پیشینه تحقیقات انجام‌شده در این حوزه، هیچ پژوهشی یافت نشد که به‌طور ویژه به بررسی اثربخشی آموزش مهارت بخشش بر کاهش تعارض زناشویی و پرخاشگری در والدین کودکان ناشنوا پرداخته‌اند. با توجه به موارد مطرح‌شده، هدف پژوهش حاضر تعیین میزان اثربخشی آموزش مهارت بخشش بر تعارض زناشویی و پرخاشگری در والدین کودکان ناشنوا است.

روش

پژوهش حاضر از نوع مطالعات شبه آزمایشی است که در آن از طرح پژوهشی پیش‌آزمون - پس‌آزمون با گروه کنترل استفاده شد.

دارد و موجب کاهش پرخاشگری می‌شود (مک‌لاف، ورثینگتون و راجال^۱، ۱۹۹۷؛ چان^۲، ۲۰۱۳).

پژوهش‌هایی در خصوص اثربخشی آموزش بخشش در سنین مختلف و در حوزه‌های متفاوت در داخل و خارج از کشور انجام‌شده است. در این راستا، اسدی، سهرابی و برجلی (۱۳۹۵) در پژوهشی به بررسی تأثیر بخشش‌درمانی بر پرخاشگری و همدلی نوجوانان پسر بزهکار کانون اصلاح و تربیت تهران پرداختند. برنامه درمانی بخشش در هشت جلسه یک‌ساعته در گروه آزمایش اجرا شد و گروه کنترل مداخله‌ای دریافت نکرد. یافته‌های به‌دست‌آمده نشان داد که همدلی گروه آزمایش نسبت به گروه کنترل به‌طور معناداری افزایش‌یافته است اما پرخاشگری گروه آزمایش در مقایسه با گروه گواه تغییر معناداری نکرد. سماعیلوند و حسونود (۱۳۹۳) در مطالعه‌ای به بررسی ارتباط بین دانش جنسی و بخشودگی زناشویی با سلامت روان زنان متأهل ۲۰ تا ۴۰ ساله شهرستان اشتهر پرداختند. یافته‌ها نشان داد که بین دانش جنسی و سلامت روان زنان متأهل رابطه مثبت معناداری وجود داشت. بین بخشودگی زناشویی و سلامت روان زنان متأهل نیز رابطه مثبت معناداری وجود داشت ولی سهم دانش جنسی در این پیش‌بینی در سطوح آماری معنادار نبود. غفوری، مشهدی و حسن‌آبادی (۱۳۹۲) در پژوهشی به بررسی اثربخشی روان‌درمانی معنوی مبتنی بر بخشودگی در افزایش رضایتمندی زناشویی و کاهش تعارضات زوجین شهر مشهد پرداختند. نتایج نشان داد روان‌درمانی معنوی مبتنی بر روش بخشودگی باعث افزایش معنادار بخشودگی و در نتیجه رضایتمندی زناشویی و کاهش معنادار تعارضات زوجین در مرحله پس‌آزمون شده است اما باین‌وجود، تغییرات در دوره پیگیری معنادار نبوده است. اختر و بارلو (۲۰۱۶) در پژوهشی فرا تحلیلی با هدف بخشش‌درمانی بر بهزیستی روان‌شناختی نوجوانان و جوانان، نشان می‌دهد که مداخلات بخشش به‌صورت معناداری در کاهش میزان افسردگی، خشم و خصومت، استرس و پریشانی اثربخش بوده‌اند و همچنین توانسته‌اند سطح عواطف مثبت را ارتقاء دهند. مناخم و لاو^۳ (۲۰۱۳) در نتایج مطالعه‌ای عنوان کردند بخشش‌درمانی با ایجاد احساسات صلح‌جویانه نسبت به خود و دیگران سبب ارتقاء بهزیستی روانی فرد می‌شود. فینچام، هال و بیچ^۴ (۲۰۰۶) در پژوهشی نشان دادند زوج‌هایی که برنامه بخشودگی را دریافت کردند تجربه هیجانی بیشتری نسبت به همسر خود به دست آوردند و در نتیجه سطوح بالاتری از کیفیت و رضایت زناشویی را

6. Backus

7. Carr

8. Cradoc

9. Alexandra, Quittner, Barker, Carolyn, Mary & Grimley

1. Worthington & Rachal

2. Chan

3. Menahem & Love

4. Fincham, Hall & Beach

5. Neff

۰/۸۶، کاهش رابطه خانوادگی با خویشاوندان همسر و دوستان ۰/۸۹، جدا کردن امور مالی از یکدیگر ۰/۷۱، کاهش ارتباط مؤثر ۰/۶۹ به دست آمد (ثنائی، ۱۳۷۹).

ب) پرسشنامه پرخاشگری^۲: نسخه جدید پرسشنامه پرخاشگری توسط باس و پری در سال ۱۹۹۲ مورد بازنگری قرار گرفت. این مقیاس دارای چهار خرده‌مقیاس است که چهار گونه رفتارهای پرخاشگرانه (پرخاشگری بدنی، پرخاشگری کلامی، خشم و خصومت) را ارزیابی می‌کند. طریقه نمره‌گذاری با روش لیکرتی پنج‌درجه‌ای است. به گزینه‌های کاملاً متفاوت از من نمره (۱)، تا حدودی متفاوت از من نمره (۲)، متوسط (۳)، تا حدودی شبیه من نمره (۴)، کاملاً شبیه من نمره (۵) داده می‌شود. سپس نمره‌های عبارت هر خرده‌مقیاس با هم جمع می‌شوند. نمره‌های بالاتر با میزان پرخاشگری بیشتر مطابقت دارند. دامنه نمرات این پرسشنامه بین ۲۹ تا ۱۴۵ در نوسان است. روایی و پایایی پرسشنامه پرخاشگری به ترتیب ۰/۷۲ و ۰/۹۰ است. پرسشنامه پرخاشگری دارای اعتبار و روایی قابل قبولی است (باس و پری، ۱۹۹۲). نتایج ضریب بازآزمایی برای چهار خرده‌مقیاس (با فاصله ۹ هفته) بین ۰/۷۲ تا ۰/۸۰ و همبستگی بین چهار خرده‌مقیاس ترتیب ۰/۳۸ تا ۰/۴۹ به دست آمد. جهت سنجش اعتبار درونی مقیاس از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد که نتایج نشانگر همسانی درونی زیر مقیاس پرخاشگری بدنی ۰/۸۲، پرخاشگری کلامی ۰/۸۱، خشم ۰/۸۳ و خصومت ۰/۸۰ بود. در پژوهش دلاور (۱۳۸۵) نیز همسانی درونی ۰/۸۹ و پایایی به روش بازآزمایی ۰/۸۰ گزارش شده است.

جهت اجرای پژوهش، ابتدا از مدارس ویژه ناشنوایان شهر تهران، آزمودنی‌ها با روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. سپس در جلسه‌ای توجیهی، ضمن تشریح اهداف پژوهش از آن‌ها خواسته شد تا رضایت‌نامه کتبی جهت شرکت در پژوهش را تکمیل نمایند. لازم به ذکر است که نمرات حاصل از اجرای نخست پرسشنامه‌ها به‌عنوان پیش‌آزمون در نظر گرفته شد. پس از انتخاب افراد به‌صورت در دسترس و جایگزینی تصادفی آن‌ها، گروه آزمایش در ۸ جلسه آموزشی ۷۰ دقیقه‌ای (۴ هفته و هفته‌ای ۲ جلسه) شرکت کردند. گروه آزمایش شیوه‌های لازم برای آموزش مهارت بخشش را توسط آموزش‌های پژوهشگر (متخصص در حوزه روانشناسی) دریافت نمودند. محتوای جلسات آموزشی گروه آزمایش به ترتیبی است که در ادامه آمده است:

جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه والدین کودکان ناشنوا شهر تهران می‌شد که فرزندان آن‌ها در مدارس ویژه ناشنوایان (مدارس استثنایی) مشغول به تحصیل بودند. برای انتخاب آزمودنی‌ها در پژوهش حاضر از روش نمونه‌گیری در دسترس استفاده شد به این صورت که از بین والدینی که واجد ملاک‌های ورود به پژوهش یعنی (کسب نمره بالا در پرسشنامه پرخاشگری و تعارضات زناشویی، دامنه سنی ۳۰ تا ۴۰ سال، زندگی مشترک با همسر و فرزندان و تمایل به شرکت در پژوهش) و نیز فاقد معیارهای خروج از پژوهش (مانند مصرف دارو، ابتلا به مشکلات روان‌پزشکی و شخصیتی بنا به تشخیص روان‌پزشک، سوءمصرف مواد و الکل) بودند ۳۰ پدر و مادر (۶۰ نفر) انتخاب و به روش تصادفی در یکی از دو گروه آزمایش و کنترل جایگزین شدند. در ضمن، اعضای هر گروه ۱۵ نفر بود. گروه آزمایشی به مدت ۸ جلسه تحت مداخله قرار گرفت اما گروه کنترل در لیست انتظار بود. برای جمع‌آوری اطلاعات از ابزارهای زیر استفاده شده است.

الف) پرسشنامه تعارضات زناشویی^۱: این پرسشنامه در سال ۱۳۷۹ توسط ثنائی ساخته شده است، ۵۴ سؤال دارد و هشت بعد از تعارضات زناشویی را می‌سنجد که عبارت‌اند از: کاهش همکاری، کاهش رابطه جنسی، افزایش واکنش‌های هیجانی، افزایش جلب حمایت فرزندان، افزایش رابطه فردی با خویشاوندان خود، کاهش رابطه خانوادگی با خویشاوندان همسر و دوستان، جدا کردن امور مالی از یکدیگر و کاهش ارتباط مؤثر. برای هر سؤال پنج گزینه در نظر گرفته شده که به تناسب ۱ تا ۵ نمره به آن‌ها اختصاص داده شده است. حداکثر نمره کل پرسشنامه ۲۷۰ و حداقل آن ۵۴ است. حداکثر نمره هر خرده‌مقیاس مساوی با تعداد سؤال‌های آن خرده‌مقیاس‌ها ضربدر ۵ است. در این ابزار نمره بیشتر به معنی تعارض بیشتر و نمره کمتر به معنی رابطه بهتر و تعارض کمتر است. پرسشنامه تعارضات زناشویی از روایی محتوایی خوبی برخوردار است. در مرحله تحلیل محتوای آزمون، پس از اجرای مقدماتی و محاسبه همبستگی هر سؤال با کل پرسشنامه و مقیاس‌های آن، به دلیل همبستگی مناسب تمام سؤال‌ها، هیچ سؤالی حذف نشد. آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه روی یک گروه ۲۷۰ نفری برابر با ۰/۹۶ به دست آمد و برای هشت خرده‌مقیاس آن از جمله کاهش همکاری ۰/۸۱، کاهش رابطه جنسی ۰/۶۱، افزایش واکنش‌های هیجانی ۰/۷۰، افزایش جلب حمایت فرزند ۰/۳۳، افزایش رابطه فردی با خویشاوندان خود

2. Aggression questionnaire

1. Marital conflict questionnaire

جدول ۱. محتوای جلسات آموزشی مهارت بخشش

اهداف	جلسات
معرفی، بیان اهداف و انتظارات برنامه آموزشی درک بخشش و حرکت به سوی آن.	اول
به خاطر آوردن رویداد آزاردهنده و مال خود کردن تجربه.	دوم
خشم و تظاهرات آن و همچنین به اشتراک گذاردن تجربه شخصی خود با گروه.	سوم
آشنایی با مفهوم همدلی.	چهارم
مفهوم همدلی و تفاوت آن با واژه‌های نزدیک آن.	پنجم
ایجاد همدلی با فرد خطا کار.	ششم
تعهد نسبت به بخشش.	هفتم
راهکارهای ماندگاری تصمیم بخشش و جمع‌بندی و نتیجه‌گیری.	هشتم

یافته‌ها

هر دو گروه در مرحله پس از مداخله مجدداً پرسشنامه تعارض زناشویی و پرسشنامه پرخاشگری را تکمیل کردند. داده‌های به‌دست‌آمده از دو موقعیت پیش‌آزمون و پس‌آزمون، برای دو گروه با استفاده از تحلیل کوواریانس چند متغیری در نسخه بیست و دوم SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

آزمودنی‌های پژوهش حاضر، شامل ۳۰ زوج (۶۰ نفر) از والدین کودکان ناشنوا در دامنه سنی ۳۰ تا ۴۰ ساله می‌شد که میانگین سن و انحراف معیار آن در آزمودنی‌ها ۳۴/۰۸ و ۲/۶۱ بود. شاخص‌های توصیفی مربوط به متغیرهای پژوهش در دو گروه آزمایش و کنترل در موقعیت پیش‌آزمون و پس‌آزمون در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲. میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای پژوهش

متغیرها	موقعیت	گروه آزمایش		گروه کنترل	
		میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار
تعارض زناشویی	پیش‌آزمون	۱۳۹/۵۵	۲/۴۶	۱۴۰/۰۹	۲/۷۱
	پس‌آزمون	۱۰۸/۳۴	۲/۰۳	۱۳۸/۸۷	۳/۰۶
پرخاشگری	پیش‌آزمون	۹۱/۶۶	۲/۰۸	۹۰/۹۳	۲/۶۰
	پس‌آزمون	۴۶/۲	۲/۷۰	۹۰/۳۷	۳/۱۱

با توجه به جدول ۲، میانگین نمره‌های میانگین نمره‌های تعارض زناشویی و پرخاشگری در هر دو گروه تفاوت دارند. به علت وجود یک متغیر مستقل (آموزش مهارت بخشش) و دو متغیر وابسته (تعارض زناشویی و پرخاشگری و تعدیل اثر پیش‌آزمون) از آزمون آماری تحلیل کوواریانس چند متغیری (مانکوا) استفاده شد. به همین منظور، ابتدا نرمال بودن توزیع داده‌ها با استفاده از آزمون آماری کلموگروف-اسمیرنوف بررسی و تأیید شد ($P > 0.05$). بنابراین می‌توان جهت تحلیل داده‌ها از آزمون‌های پارامتریک استفاده کرد. نتایج آزمون ام. باکس بیانگر مفروضه همگنی ماتریس‌های واریانس-کوواریانس بود ($P > 0.05$). برای تعیین معناداری همبستگی کافی بین متغیرهای وابسته از آزمون کرویت بارتلت استفاده شد. نتایج حاکی از وجود همبستگی کافی بین متغیرهای وابسته بود ($P = 0.001$). مفروضه همگنی واریانس‌ها در متغیرهای پژوهش نیز با استفاده از آزمون لون تأیید شد ($P > 0.05$); بنابراین تمام مفروضه‌های آزمون آماری مانکوا برقرار است و می‌توان جهت تحلیل داده‌ها از این آزمون استفاده کرد. به این منظور نتایج کلی تحلیل کوواریانس چند متغیری روی میانگین نمره‌های تعارض زناشویی و پرخاشگری گروه‌ها توسط آزمون‌های چهارگانه «اثر پیلائی، لامبدای ویلکز، اثر هاتلینگ و بزرگ‌ترین ریشه روی» تحلیل شد که در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول ۳. نتایج کلی تحلیل کوواریانس چندمتغیری

نام آزمون	مقدار	درجه آزادی فرضیه	درجه آزادی خطا	آماره F	سطح معناداری
اثر پیلائی	۱/۶۱	۲	۵۵	۱۳۱/۱۷	< 0.0005
گروه لامبدای ویلکز	۰/۷۲	۲	۵۵	۱۳۱/۱۷	< 0.0005
اثر هاتلینگ	۲۳۶/۱۰	۲	۵۵	۱۳۱/۱۷	< 0.0005
بزرگ‌ترین ریشه روی	۲۳۶/۱۰	۲	۵۵	۱۳۱/۱۷	< 0.0005

با توجه به جدول ۳، گروه آزمایش و کنترل حداقل در یکی از متغیرهای تعارض زناشویی و پرخاشگری تفاوت معناداری دارند.

با توجه به جدول ۳، گروه آزمایش و کنترل حداقل در یکی از متغیرهای تعارض زناشویی و پرخاشگری تفاوت معناداری دارند.

جدول ۴. نتایج تفکیکی تحلیل کوواریانس چندمتغیری

متغیرهای وابسته	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	آماره F	سطح معناداری	مجذور اتا
تعارض زناشویی	۴۴/۹۶	۱	۴۴/۹۶	۱۷/۹۵	۰/۰۰۰۵	۰/۶۱
پرخاشگری	۳۸/۱۷	۱	۳۸/۱۷	۱۳/۰۷	۰/۰۰۰۵	۰/۶۸

بین فردی و واکنش‌های متقابل افراد با یکدیگر بسیار توجه دارد. یادگیری مهارت بخشش می‌تواند به بهبود روابط و کاهش تعارض زناشویی منجر شود (اورت^۱ و ورثینگتون، ۲۰۰۵). همچنین از آنجایی که تعارض زناشویی یک جنبه اجتناب‌ناپذیر ارتباطات انسانی است. هنگامی که دو نفر با یکدیگر صمیمی می‌شوند احتمال بیشتری وجود دارد که تعارض را تجربه کنند. چراکه در خلال یک ارتباط خصوصی، عادت‌ها یا تفاوت‌ها بارزتر می‌شوند و می‌توانند آزاردهنده باشند. هرچند تعارض، برای رابطه زناشویی خطرناک نیست ولی چگونگی مواجهه همسران با آن می‌تواند خطرناک باشد (شفیعی‌نیا، ۱۳۸۱). آنچه در این راستا اهمیت می‌یابد چیزی جز بخشش و یادگرفتن بخشیدن نیست. در آموزش بخشش، افراد توانایی بالایی برای بهبود در تعاملات خود کسب می‌کنند و در نتیجه رضایت بیشتری از روابط زناشویی خویش خواهند داشت (چان، ۲۰۱۳)؛ بنابراین دور از انتظار نیست که آموزش مهارت بخشش بر کاهش تعارض زناشویی والدین کودکان ناشنوا مؤثر باشد.

دومین یافته این پژوهش مبنی بر این که آموزش مهارت بخشش بر کاهش پرخاشگری والدین کودکان ناشنوا مؤثر است با نتایج پژوهش‌های اختر و بارلو (۲۰۱۶)، ویسز (۲۰۱۴)، هریس و همکاران (۲۰۰۶)، مالوکا (۲۰۰۵)، ری و پارگامنت (۲۰۰۲)، اسدی و همکاران (۱۳۹۵) و قمری و همکاران (۱۳۹۱) همخوانی دارد.

در تبیین این یافته می‌توان عنوان کرد زوجین، اغلب در تجربیات هیجانی و احساسی خود با شبکه اجتماعی وسیع‌تری مواجه می‌شوند و گاهی واکنش‌های هیجانی متناقضی را ابراز می‌کنند، یکی از حالات هیجانی شایع در میان آن‌ها خشم است (عاشوری و جلیل‌آبکنار، ۱۳۹۵). پرخاشگری یک نوع مکانیسم روانی است که در آن، فرد به‌طور ناخودآگاه فشارهای ناشی از محرومیت‌ها و ناکامی‌های خود را به‌صورت واکنش‌هایی مانند حمله، تجاوز، رفتار کینه‌توزانه و پرخاشگرانه نشان می‌دهد و تنها در صورتی که این رفتارها تحت کنترل قرار گیرند، حرکت رشد، طبیعی و مطلوب خواهد شد (اکبری، ۱۳۸۱). آموزش مناسب مهارت بخشش

با توجه به نتایج این جدول، گروه‌ها با در نظر گرفتن نمره‌های پیش‌آزمون به‌عنوان متغیرهای همپراش، تفاوت نمرات بین متغیرهای تعارض زناشویی و پرخاشگری در دو گروه آزمایش و کنترل معنادار است ($P < 0/0005$)؛ بنابراین می‌توان گفت که با توجه به مجذور اتا به ترتیب ۰/۶۸٪ و ۰/۶۱٪ تغییرات در هر یک از متغیرهای تعارض زناشویی و پرخاشگری توسط برنامه آموزش مهارت بخشش تبیین می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف تعیین بررسی میزان تأثیر آموزش مهارت بخشش بر تعارض زناشویی و پرخاشگری والدین کودکان ناشنوا انجام شد. نتایج حاصل از تحلیل کوواریانس چند متغیری نشان داد که آموزش مهارت بخشش بر کاهش تعارض زناشویی و پرخاشگری والدین کودکان ناشنوا اثر معناداری داشت.

نخستین یافته پژوهش حاضر مبنی بر این که آموزش مهارت بخشش بر کاهش تعارض زناشویی والدین کودکان ناشنوا مؤثر است با نتایج پژوهش‌های ویسز (۲۰۱۴)، چان، (۲۰۱۳)، کاردو (۲۰۰۷)، کار، (۲۰۰۴)، مالتبی و همکاران (۲۰۰۱)، خواجه و خضری‌مقدم (۱۳۹۵)، رجبی و همکاران (۱۳۹۴)، غفوری و همکاران (۱۳۹۲) و افخمی و همکاران (۱۳۸۶) همخوانی است.

در تبیین این یافته می‌توان گفت با توجه به نقش مهم خانواده در تکوین شخصیت و رشد جسمانی، عاطفی، عقلانی و اخلاقی افراد و اثرات نامطلوب از هم‌گسیختگی خانواده بر روی اعضای آن، از راهبردهای معنوی در جهت بهبود مشکلات خانواده و تعارض زوجین می‌توان سود جست. یکی از این راهبردهای معنوی که قدرت و فراگیری خاصی را در روابط خانوادگی دارد بخشش است که می‌تواند در جهت کاهش تعارض زناشویی بسیار مؤثر واقع شود. چراکه بخشش فرایندی است که باعث افزایش درک از خود، یکدیگر و روابط شده و طرفین را از سلطه افکار، احساسات و رفتارهای منفی بعد از تجربه یک رویداد ناخوشایند بین فردی می‌رهانند. از سوی دیگر، از آنجایی که مداخله بخشش به روابط

1. Everett

مختلفی مانند آگاهی، نگرش، وضعیت اقتصادی و اجتماعی، تفریح و سرگرمی‌ها، فرهنگ، خانواده و جامعه بر تعارض زناشویی و پرخاشگری والدین کودکان ناشنوا اثرگذار است. احتمالاً، این متغیرها در شهر تهران با سایر استان‌ها متفاوت است، که تعمیم‌پذیری این نتایج را با دشواری مواجه می‌سازد. ازجمله محدودیت‌های دیگر پژوهش حاضر، تعداد اندک آزمودنی‌ها، استفاده از برنامه مداخله‌ای خاصی و ابزار ویژه‌ای برای ارزیابی تعارض زناشویی و پرخاشگری این آزمودنی‌ها بود؛ بنابراین شایسته است که در تعمیم‌پذیری نتایج احتیاط شود.

پیشنهاد می‌شود که در پژوهش‌های بعدی بررسی اثربخشی آموزش مهارت بخشش بر تعارض زناشویی و پرخاشگری والدین کودکان ناشنوا در مدت‌زمانی طولانی و به همراه پیگیری نتایج باشد، برنامه آموزش مهارت بخشش مبتنی بر آموزه‌های فرهنگی و دینی تدوین و ارزیابی اثربخشی آن بر تعارض زناشویی و پرخاشگری والدین کودکان ناشنوا و سایر گروه‌های کودکان با نیازهای ویژه بررسی شود، در زمینه آموزش مهارت بخشش از آموزش گروهی به خانواده‌ها استفاده شود، پژوهش با نمونه‌های بیشتر از هر دو جنس در سنین مختلف انجام گیرد و به متغیرهای زمینه‌ای ازجمله آگاهی، نگرش، وضعیت اقتصادی و اجتماعی، تفریح و سرگرمی‌ها، فرهنگ افراد توجه شود.

متأهل. مجله دانشکده پرستاری و مامایی ارومیه، ۱۴(۷)، ۶۳۰-۶۳۸

دلاور، علی (۱۳۸۵). مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم اجتماعی. چاپ دوم. تهران: انتشارات رشد.

راستگو، ناهید و گلزاری، محمود و براتی‌سده، فرید (۱۳۹۳). اثربخشی افزایش دانش جنسی بر رضایت زناشویی زنان متأهل. فصلنامه مطالعات روانشناسی بالینی، ۱۷(۵)، ۳۵-۴۸.

رجبی، غلامرضا و حیات‌بخش، لیلی و تقی‌پور، منوچهر (۱۳۹۴). الگوی ساختاری رابطه مهارتمندی هیجانی، صمیمیت، رضایت و سازگاری زناشویی. فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده، ۱۱(۱۶)، ۶۷-۹۱.

رحمانی، اعظم و مرقاتی‌خویی، عفت السادات و صادقی، نرجس و الله قلی، لیلی (۱۳۹۰). ارتباط رضایت جنسی با رضایت از زندگی زناشویی، نشریه پرستاری ایران، ۲۴(۷۰)، ۸۲-۹۰.

سماعیلوند، نسا و حسونند، بنفشه (۱۳۹۳). ارتباط بین دانش جنسی و بخشودگی زناشویی با سلامت روان زنان متأهل. فصلنامه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، ۴(۲)، ۲۷۰-۲۸۰.

شفیعی‌نیا، مریم (۱۳۸۱) بررسی تأثیر مهارت‌های حل تعارضات زناشویی بر روابط متقابل زن و شوهر. پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره، تهران: دانشگاه الزهرا.

می‌تواند احساساتی مانند خشم و پرخاش را تعدیل کند (اختر و بارلو، ۲۰۱۶). از سوی دیگر، یکی از راه‌های بهبود روابط بین زوج‌ها و کاهش پرخاشگری، آموزش آن‌ها است. پیش‌فرض این نگاه آن است که دلیل کم‌رنگ شدن صمیمیت در رابطه زوج‌ها و ابراز خشم، فقدان مهارت آن‌ها در ایجاد و تدوین روابط صمیمانه است. آن‌ها آموزش‌های لازم را در زمینه ایجاد و حفظ یک رابطه صمیمانه و تزییق نشاط به زندگی مشترک را نمی‌دانند. برای پوشش دادن این مهارت‌ها و آموزش آن به زوجین رویکردهای مختلفی وجود دارد که یکی از این روش‌ها آموزش مهارت بخشش است که به نظر می‌رسد نقش مهمی را در این راستا ایفا کند (پارک، انرایت، اسیکس، واکسلر و کلات، ۲۰۱۰)؛ بنابراین دور از انتظار نیست که آموزش مهارت بخشش بر کاهش پرخاشگری والدین کودکان ناشنوا مؤثر باشد.

به‌طور کلی فراهم نمودن شرایط مطلوب برای اجرای پژوهش به‌دشواری میسر می‌گردد. در این پژوهش نیز پژوهشگر با محدودیت‌هایی مواجه شد که ازجمله آن‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: اثربخشی آموزش مهارت بخشش بر تعارض زناشویی و پرخاشگری والدین کودکان ناشنوا تنها در مدت زمانی کوتاه موردبررسی قرار گرفت، فرصت انجام آزمون پیگیری و بررسی نتایج بلندمدت حاصل از پژوهش در محیط طبیعی فراهم نشد، عوامل

منابع

اسدی، مریم و سهرابی، فرامرز و برجعلی، احمد (۱۳۹۵). تأثیر بخشش درمانی بر پرخاشگری و همدلی نوجوانان پسر بزه‌کار. رویش روان‌شناسی، ۲(۱۵)، ۱۸۷-۲۰۸.

احدی، حسن و جمهری، فرهاد (۱۳۸۵). روان‌شناسی رشد نوجوانی و بزرگ‌سالی (جوانی، میان‌سالی و پیری). چاپ ششم، تهران: چاپ و نشر بنیاد.

اکبری، ابوالقاسم (۱۳۸۱). مشکلات نوجوانان و جوانان. چاپ دوم، تهران: نشر ساوالان.

افخمی، ایمانه و بهرامی، فاطمه و فاتحی‌زاده، مریم (۱۳۸۶). بررسی رابطه بین میزان بخشودگی و تعارض زناشویی زوجین در استان یزد. فصلنامه خانواده‌پژوهی، ۳(۹)، ۴۳۲-۴۴۲.

ثنائی، باقر (۱۳۷۹). مقیاس‌های سنجش خانواده و ازدواج. تهران: انتشارات بعثت.

حاجلو، نادر و انصاری، اسماعیل (۱۳۹۰). بررسی میزان شیوع اختلال شنوایی و علل مرتبط با آن در استان اردبیل. فصلنامه شنوایی‌شناسی، ۲۰(۱)، ۱۱۶-۱۲۷.

خواجه، فرزانه و خضری‌مقدم نوشیروان (۱۳۹۵). رابطه ناگویی هیجانی و مشکلات بین شخصی با رضایت زناشویی در پرستاران زن

1. Park, Enright, Essex, Waxler & Klatt

- Buss, A. H., & Perry, M. (1992). The aggression questionnaire. *Journal of Personality and Social Psychology*, 33, 451-459.
- Carr, A. (2004). *Positive psychology*. Handbook of psychology. New York: Brunuen-Rutledge press.
- Chan, D. W. (2013). Subjective well-being of Hong Kong Chinese teachers: The contribution of gratitude, forgiveness, and the orientations to happiness. *TEACH TEACH EDU*, 32, 22-30.
- Cordova, J., Cautilli, J., Simon, C., & Sabag, R. (2006). Behavior analysis of forgiveness in couple therapy. *Int J Behav Cons Ther*, 2(2), 192-214.
- Everett, L., & Worthington, Jr. (2005). *Handbook of forgiveness*. 1st ed. New York: Routledge, 1-81.
- Fellinger, J., Holzinger, D., & Pollard, R. (2008). Mental health of deaf people. *Journal of Lancet*, 739, 1037-44.
- Fincham, F., Beach, S. R. H., & Davila, J. (2007). Longitudinal relations between forgiveness and conflict resolution in marriage. *J Fam Psychol*, 21(3), 542-555.
- Fincham, F. D., Hall, J., & Beach, S. R. H. (2006). Forgiveness in marriage: Current status and future direction. *Fam Relat*, 55, 415-427.
- Hallahan, D. P., Kauffman, J. M., & Pullen, P. C. (2015). *Exceptional learners: an introduction to special education* (13th Ed). Published by Pearson Education, Inc.
- Harris, A. H. S., Luskin, F., Norman, S. B., Standard, S., Bruning, J., & Evans, S. (2006). Effects of a group forgiveness intervention on forgiveness, perceived stress, and trait anger. *J Clin Psychol*, 62(6), 715-733.
- Kushalnagar, P., Krull, K., Hannay, J., Metha, P., Caudle, S., & Oghalai, J. (2007). Intelligence, parental depression and behavior adaptability in Deaf children being considered for cochlear implantation. *Journal of Deaf Study Deaf Education*, 21(3), 364-369.
- Landsberger, S. A., & Diaz, D. R. (2010). Inpatient psychiatric treatment of deaf adults: demographic and diagnostic comparisons with hearing inpatients. *Journal of Psychiatry Serve*, 61, 196-99.
- Maltby, J., Macaskill, A., & Gillett, R. (2007). The cognitive nature of forgiveness: Using cognitive strategies of primary appraisal and coping to describe the process of forgiving. *Clinical Psychology*, 63, 555-566.
- Maluka, C. S. (2005). Subjective well-being and self-esteem in a disadvantaged community. *A dissertation in university of South Africa*. PP: 457.
- عاشوری، محمد و جلیل آبکنار، سیده سمیه (۱۳۹۵). *روان‌شناسی رشد: از بدو انعقاد نطفه تا واپسین دم حیات*. چاپ اول. تهران: انتشارات رشد فرهنگ.
- غفوری، سمانه و مشهدی، علی و حسن‌آبادی، حسین (۱۳۹۲). اثربخشی روان‌درمانی معنوی مبتنی بر بخشودگی در افزایش رضایتمندی زناشویی و کاهش تعارضات زوجین شهر مشهد. *مجله اصول بهداشت روانی*، ۱۵(۱)، ۴۵-۵۷.
- قمیری گیوی، حسین و محبی، زهرا و صادقی، مرتضی (۱۳۹۱). اثربخشی بخشش‌درمانی بر پرخاشگری و میزان بخشش در پسران نوجوان کانون اصلاح و تربیت شهر تهران. *مجله دانشگاه علوم پزشکی مازندران*، ۲۲(۹۶)، ۱۶۳-۱۶۸.
- محمدی، حدیقه (۱۳۹۶). *اثربخشی آموزش مهارت بخشش به زوجین جوان بر بهبود روابط جنسی و کاهش پرخاشگری و کاهش تعارضات زناشویی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ورامین- پیشوا.
- منصور، محمود (۱۳۸۷). *روانشناسی ژنتیک: تحول روانی از تولد تا پیری*. چاپ نهم، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- موللی، گیتا و امیری، محسن و یوسفی افراشته، مجید و مروتی، ذکراالله (۱۳۹۴). استرس والدین و سلامت روان مادران با کودکان دارای آسیب شنوایی: بررسی برنامه‌های آموزشی رفتاری. *مجله علوم اجتماعی*، ۲۰(۷)، ۸۹-۹۵.
- Agrawal, Y., Platz, E. A., & Niparko, J. K. (2008). Prevalence of hearing loss and differences by demographic characteristics among US adults: data from the National Health and Nutrition Examination Survey. *Arch Intern Med*, 168, 1522-1530.
- Akhtar, S., & Barlow, J. (2016). Forgiveness therapy for the promotion of mental well-being: A systematic review and meta-analysis. *Trauma Violence Abuse*. Mar 23.
- Alexandra, L., Quittner, D. H., Barker, I. C., Carolyn, S., Mary, E., & Grimley, M. B. (2010). Parenting stress among parents of deaf and hearing children: Associations with language delays and behavior problems. *Parent Sci Pract*, 10(2), 136-155.
- Arlinger, S. (2003). Negative consequences of uncorrected hearing loss-a review. *Journal of Audiology*, 42(2), 17-20.
- Backus, L. N. (2009). *Establishing links between desecration, forgiveness and marital quality during pregnancy* [dissertation]. [Ohio]: Bowling green State University.
- Beth, P. (2006). Forgiveness and implicit theories in early adolescents. (PHD Thesis). University of Wisconsin-Madison.

- McCullough, M. E., Bellah, C. G., Kilpatrick, S. D., & Johnson, J. L. (2001). Vengefulness: Relationships with forgiveness, rumination, well-being, and the Big Five. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 27, 601-610.
- McCullough, M. E., Fincham, F. D., & Tsang, J. A. (2003). Forgiveness, forbearance and time: the temporal unfolding of transgression-related interpersonal motivations. *J Pers Soc Psychol*, 84, 540-557.
- McCullough, M. E. (2001). Forgiveness: Who does it and how do they do it? *Curr Dir Psychol Sci*, 10, 1949-1957.
- McCullough, M. E., Worthington, E. L., Rachal, K. C. (1997). Interpersonal forgiving in close relationships. *Journal of Personality and Social Psychology*, 73(2), 321-336.
- Menahem, S., & Love, M. (2013). Forgiveness in psychotherapy: the key to healing. *J Clin Psychol*, 69(8), 829-835.
- Neff, K. (2003). Self-compassion: An alternative conceptualization of a healthy attitude toward on self. *ISSI*, 2, 85-101.
- Park, J. H., Enright, R. D., Essex, M. J., Waxler, C., & Klatt, J. S. (2013). Forgiveness intervention for female South Korean adolescent aggressive victims. *J Appl Dev Psychol*, 34(6), 268-276.
- Rye, M. S., & Pargament, K. I. (2002). Forgiveness and romantic relationships in college: Can it heal the wounded heart? *Journal of Clinical Psychology*, 58, 419-441.
- Weiss, J. M. (2014). *Marital Preparation, Experiences, and Personal Qualities in a Qualitative Study of Individuals in Great Marriages*. (MA). Utah State University.
- World Health Organization. (2005). *Promoting mental health*. A report of the world health organization, Department of mental health and substance abuse in collaboration with the Victorian health promoting foundation and the University of Melbourne Geneva, Switzerland.
- Zechmeister, J. S., Romero, C. (2002). Victim and offender accounts of interpersonal conflict: autobiographical narratives of forgiveness and un-forgiveness. *Journal of Personality and Social Psychology*, 82(4), 675-686.

6

The Effectiveness of Forgiveness Skill Training on Marital Conflict and Aggression in Parents of Deaf Children

Akram Malekzadeh¹
Elmira Ezazi Bojnourdi²
Ameneh Shahandeh³
Horia Vatankhah⁴
Samineh Bahadori Jahromi^{*5}

Abstract

Aim: The present study aimed to determine the effectiveness of forgiveness skill training on marital conflict and aggression in parents of deaf children. **Methods:** The present research was a quasi-experimental study by pre-test, post-test design with control group. Thirty parents of deaf children were selected by convenient sampling method from exceptional schools in Tehran city. They were divided into experimental and control group (each consists of 15 individuals) randomly and equally. The experimental group participated in forgiveness skill training in 8 sessions (two sessions weekly; each lasts for 70 minutes), while control group did not. Marital conflict questionnaire and aggression questionnaire were used for assessment of all participants. Data were analyzed by multiple analysis of covariance through SPSS version 22. **Results:** Findings showed that experimental and control groups had significant difference, at least in one of the marital conflict and aggression variables ($P < 0.05$). The results of multiple analysis of covariance showed forgiveness skill training had positive and significant effect on the marital conflict and aggression in parents of deaf children ($P < 0.05$). **Conclusion:** Findings indicated that forgiveness skill training has led to the reducing marital conflict and aggression in parents of deaf children. Therefore, planning for such training programs alike with the forgiveness training has an important role on reducing marital conflict and aggression in parents of deaf children.

Key words: Aggression, Deaf children, Forgiveness skill, Marital conflict

¹. Instructor, Department of Psychology, Payam Noor University, Tehran, Iran

². MA of Family Counseling, Department of Counseling, University of Kharazmi, Tehran, Iran

³. Instructor, Department of Islamic Education, Payam Noor University, West Azerbaijan, Iran

⁴. MA Student of General Psychology, Department of Psychology, Tehran Center Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

⁵. Corresponding Author: Assistant Professor, Department of Sociology, BandarAbbas Branch, Islamic Azad University, BandarAbbas, Iran
bahadori.jahromi@gmail.com